**کمیسیون قانون**

**مقاله مشاوره ای شماره 177**

**قانون جدید قتل در انگلستان و ولز؟**

**مقاله مشاوره ای**

کمیسیون قانون توسط بخش 1 کمیسیون قانون 1965 به منظور ترویج اصلاحات قانون ایجاد شد.  
مجریان قانون عبارتند از:

The Honourable Mr Justice Toulson, Chairman

Professor Hugh Beale QC, FBA Mr Stuart Bridge

Dr Jeremy Horder

Professor Martin Partington CBE

رئیس هیئت مدیره کمیسیون قانون Steve Humphreys بوده و دفتر آن در Conquest House, 37-38 John Street, Theobalds Road, London WC1N 2BQ است.

این مقاله مشاوره ای که در تاریخ 28 نوامبر 2005 تکمیل شده است تنها به منظور ارائه نظرات و انتقاد بوده و این نظرات نمایندگان نهایی و قطعی کمسیون قانون نیست.

کمیسیون قانون از پیشنهادات ماقبل از تاریخ 13 آوریل 2006 قدردانی خواهد کرد.  
نظرات ممکن است ارسال شود:  
با پست به:

David Hughes LawCommission Conquest House

37-38 John Street Theobalds Road London

WC1N 2BQ

تلفن: 020-7453-1212

فکس: 020-7453-1297

با پست الکترونیک به:

dav[id.hughes@lawcommission.gsi.gov.uk](mailto:hughes@lawcommission.gsi.gov.uk)

در صورت امکان، نظرات ارسال شده توسط پست بر روی دیسک نیز فرستاده شوند، یا از طریق ایمیل به آدرس فوق با هر فرمت مناسب ارسال شود.

همه نظرات به عنوان اسناد عمومی در تطابق با اطلاعات قانون 2000 محسوب می شود  
و ممکن است در اختیار اشخاص ثالث قرار گیرد.

این مقاله مشاوره ای به صورت رایگان در وب سایت ما در دسترس است:

<http://www.lawcom.gov.uk/murder.htm>

**قانون جدید قتل در انگلستان و ولز؟**

**محتوا**

**بخش 1: چرا قانون جدید قتل مورد نیاز است؟** 1

شرایط مرجع برای بازنگری قتل 1

چگونه کمیسیون حقوقی این مرجع را به پیش می برد؟ 1

قانون فعلی و مشکلات آن: راهنمایی مختصر 2

جرایم 2

مشکلات مربوط به این جرائم 3

دفاع جزئی 4

مشکلات این دفاع جزئی 5

دفاع از دست رفته 5

محکومیت و اصلاح قانون قتل 6

پیشنهادات موقت ما: مرور ساختار 6

چرا قانون جدید قتل مورد نیاز است؟ 9

تعریف قتل به شدت قدیمی شده است 9

دفاع قتل، با یکدیگر هماهنگی ندارد و بیش از حد گسترده و یا بیش از حد مختصر است 11

فتنه انگیزی یا تحریک 11

نیروی افراطی در دفاع شخصی 12

اجبار و جسارت 13

عقاید خودکشی و مراقبین افسرده که کشته می شوند 15

چرا قضات نمی توانند تغییرات لازم را انجام دهند؟ 16

پارلمان تا به امروز چه کاری انجام داده است؟ 17

قانون عدالت کیفری 2003 و قانون قتل 19

فلسفه ما: ترویج هماهنگی در قانون 23

**بخش 2: تغییر ساختار قانون قتل** 25

پرسش ها و پیشنهادات موقت 25

دیدگاه موقت ما در مورد چگونگی بازسازی قانون قتل 26

آیا قتل یک جرم یا مجازات جداگانه باقی می ماند؟ 28

برخی از مزایای محدود کردن قتل درجه اول به قصد کشتن 29

حفظ جرم قتل: پیشنهادات CLRC 29

استدلال تقدس و حرمت زندگی 30

استدلال لویس بلوم کوپر و استاد ترنس موریس 32

آیا قتل درجه اول و مجازات اجباری باید بیشتر محدود شود؟ 34

سوالات 34

آیا قتل درجه اول فراتر از موارد قصد کشتن است؟ 35

آیا یک گروه قتل دیگر باید وجود داشته باشد؟ قتل دوم درجه 36

یک جایگزین اساسی: تمام دفاع جزئی را از بین ببرید 40

هیچ هماهنگی با روش دفاعی و دفاع جزئی وجود ندارد 40

قوانین دفاعی بیش از حد پیچیده شده و ناسازگارانه اعمال می شوند 41

برنامه 21 در بخش 269 قانون مجازات کیفری 2003 44

موارد ناقص و ساختار قانون قتل

45

**بخش 3: موارد نقص در قتل** 49

سوالات و پیشنهادات موقت 49

مرور کلی از مسائل و پیشنهادات ما 50

قتل درجه اول و قصد کشتن 50

قتل درجه دوم و قصد آسیب جدی 51

قتل دوم درجه و بی تفاوت نترس 52

خلاصه 56

قانون صدمه جدی و مسئولیت قتل بی پروا: اولین نگاه 56

قانون صدمه جدی 56

قتل توسط بی تفاوت نترس 58

دو نوع مورد نقص در قتل درجه دوم 63

حکم آسيب جدی (بدنی دردناک) 63

پیش زمینه ملاحظات 64

دید گسترده ای در مورد آسیب های شدید بدنی 65

دیدگاه عادی از آسیب جدی 68

دیدگاه بالقوه کشنده در معرض آسیب جدی 70

تعریف آسیب جدی 74

توصیه های قبلی: رویکرد کاملا ذهنی 75

دیدگاه ایرلندی کمیسیون اصلاحات قانون 80

اصلاح قانون آسیب جدی 83

یک طبقه بندی بنیادی جایگزین؟ 84

قتل توسط بی تفاوتی نترس به علت مرگ 84

اعمال حکم آسیب جدی در قتل درجه دوم 84

جایگزینی برای بی تفاوت نترس 86

آیا قتل توسط بی تفاوتی نترس جایگزین یا مکمل حکم جدی می شود؟ 88

آیا گستره قتل، بی تفاوتی نترس محدودتر می شود؟ 89

نقص ها در قتل عام 90

سهل انگاری ناشی از قتل 90

قتل عام غیرقانونی: پیشنهادات دولت 92

**بخش 4: عمد یا قصد** 93

سوالات و پیشنهادهای موقت 93

مدل اول 93

مدل دوم 94

ساختار این بخش 94

مقدمه 94

مدل اول: پیشنهادات پیشین کمیسیون قانون برای تعریف از قصد 96

ماده 18 (b) پیش نویس قانون جرایم (1989) 96

کمبودهایی که در رابطه با بند 18 (b) (ii) پیش نویس قانون شناسایی شده است 97

خطر محو شدن تمایز بین قصد و بی احتیاطی 97

الزام یک واقعه در جریان عادی حوادث 97

نتیجه ای که هدف آن اجتناب کردن است 98

شک و تردید در مورد فرمول استاندارد است 99

دیدگاه های ما در مورد نواقص و شک و تردید ها 100

بند 1 (a) طرح پیش نویس قانون کیفری 100

نقص هایی که در بند 1 (a) پیش نویس قانون مجازات کیفری مشخص شده اند 101

آیا عبارت ،،اگر او در هدف خود موفق به ایجاد برخی از نتایج دیگر شود،،، ممکن است تعریف عمدا بیش از حد مختصر شود؟ 101

آیا کلمه هدف برای تعریف یک نتیجه عمدی نامناسب است؟ 102

دیدگاه ما درباره کمبودهای با بند 1 (a) قانون اساسی جرایم 102

محدوده تعریف 102

هدف 103

دیدگاه ما در تعریف قصد یا عمد 103

یک تعریف جدید بر اساس بند 18 (b) (ii) عمدا به عنوان یک نتیجه 104

این فقط برای مقایسۀ پیش بینی یک نتیجه واقعی با قصد خاص است؟ 105

پیش شرط برای حذف یافته های ضد بصیرت از تعریف عمد 106

روش های دیگر برای جلوگیری از نتایج غیر قابل اتکا 107

عبارت در حوادث معمولی اتفاق می افتد 108

نتیجه 109

مدل اول: پیشنهاد بر اساس بند18 (b) (ii) 109

مدل دوم: بر مبنای کدگذاری قانون رایج 110

دیدگاه های ما 111

مدل دوم: پیشنهاد بر اساس کدگذاری قانون رایج 111

نتیجه 112

دکترین اثر دوگانه 112

پایه این دکترین 112

تمایز بین نتایج منتخب و عوارض جانبی 112

تمایز بین قصد و تمایل عاطفی 113

تعریف قتل که توسط Finnis یا فینیس پیشنهاد شده است، اتخاذ یک معنی محدود از قصد 114

آدامز 114

گلانویل ویلیامز 115

چگونه قانون قتل، دکترین اثر دوگانه را مطرح می کند؟ 116

نتیجه گیری 117

**بخش 5: مشارکت در اولین درجه قتل** 118

پرسش ها و پیشنهادهای موقت 118

مقدمه 118 مسئولیت قضایی و قتل در قانون عادی 120

رفتار عمومی D - قانون کلی 120

حالت ذهن D - قانون کلی 123

رفتار و حالت ذهن D- شرکت های مشترک 127

مسئولیت قضایی ثانویه برای قتل - پیشنهادات ما 133

دکترین جدید از مسئولیت ثانویه 134

(a) قصد D که قتل درجه اول باید متعهد شود 135

(b) D و P احزاب یک سرمایه گذاری مشترک برای انجام قتل درجه اول بودند 135

(c) D و P احزاب یک سرمایه گذاری مشترک برای انجام جرایم دیگر بودند 135

قتل درجه اول به جای قتل درجه دوم؟ 136

دفاع ویژه برای شرکت کنندگان ثانویه در قتل؟ 137

دفاع جزئی از اجبار برای شرکت کنندگان در قتل؟ 138

جنایت قتل جدید برای برخی از احزاب سرمایه گذاری مشترک 138

**بخش 6: مسئولیت پذیری کمتر و فتنه انگیزی** 143

سوالات و پیشنهادات موقت 143

مسئولیت پذیری کمتر 145

مقدمه 145

موضع قبلی ما در مورد اینکه آیا مسئولیت پذیری کمتر باید به عنوان دفاع جزئی برای کشتن حفظ شود 147

موقعیت فعلی ما 147

دفاع جزئی برای قتل درجه اول؟ 147

آیا مسئولیت پذیری کمتر قتل درجه اول را به قتل درجه دوم یا قتل عام کاهش می کند؟ 149

دفاع جزئی برای قتل درجه دوم؟ 150

اصلاح تعریف مسئولیت پذیری کمتر 152

پیشنهاد موقت ما و راه حل جدید در ولز جنوبی 154

گزینه های اصلاحی دیگر و تعاریف جایگزین مسئولیت پذیری کمتر 158

قانون آلمان 158

قانون بهداشت روان 1983 159

کودکان که کشته می شوند 160

اصلاح دفاع جزئی از مسئولیت پذیری کمتر 161

یک راه حل جایگزین؟ 164

نقش شاهد آگاه 166

روش در موارد مسئولیت پذیری کمتر 168

ملاحظات عمومی 168

مدل کوئینزلند 169

رابطه بین فتنه انگیزی و مسئولیت پذیری کمتر 171

فتنه انگیزی و قتل دفاعی 171

پیشنهادهای سابق ما 171

پیشنهادات کمیته اصلاح قانون ویکتوریا 173

رابطه بین فتنه انگیزی و مسئولیت پذیری کمتر 175

**بخش 7: اجبار یا جسارت به عنوان دفاع از قتل** 177

سوالات و پیشنهادهای موقت 177

مقدمه 178

اجبار بر اساس قانون مشترک 179

اجبار از طریق تهدید 179

اجبار از تحمل شرایط 180

تاریخچه قانون کمیسیون در مورد اجبار و قتل 180

بحث اصلی 181

خلاصه ای از بحث اصلی در برابر گسترش دفاع برای پوشش دادن به قتل 181

خلاصه ای از بحث به نفع گسترش مجازات برای پوشش قتل 181

نیاز به مشاوره 182

چارچوب پیشنهادی ما 183

موقعیت اجبار در ساختار کلی قتل 184

پیشنهاد موقت که اجبار یک دفاع جزئی برای اتهام قتل درجه یک است 184

اجبار و قتل درجه دوم 185

اجبار به عنوان دفاع جزئی در مقایسه با سایر دفاع جزئی 185

اساس درخواست اجبار 186

ویژگی مدافع یا مدعی علیه 186

دلیل برای توصیه این قانون متعارف در مورد ویژگی های مدافع باید تغییر کند 187

نیاز به دیدگاه مدافع یا مدعی علیه در مورد ماهیت تهدید به لحاظ عینی قابل قبول 188

دیدگاه قبلی کمیسیون 188

این درخواست باید به طور عینی باشد 188

تصدیق نیاز به دلایل منطقی با تصمیم در مارتین (دیوید پل) 189

سایر الزامات لازم برای ایجاد تقاضا از اجبار 190

رفتار مدافع باید مستقیما به تهدیدات مرتبط باشد 190

قانون در Safi و Ors 190

حفاظت رسمی 190

قرار گرفتن داوطلبانه در معرض اجبار 191

تصمیم در Hasan 192

اجبار و تلاش برای قتل 192

آزمون مورد نیاز برای مشخص کردن مدافعان در موارد اقدام قتل 193

بار اثبات 194

دیدگاه قبلی ما 194

دلایل اضافی برای ایجاد دفاع در برخی از موارد قتل 195

نوجوانان 195

همدستی 196

**بخش 8: کشتن با پذیرش و مسئولیت پذیری کمتر** 198

پرسش ها و پیشنهادات موقت 198

عقاید خودکشی 198

کشتن با رضایت، زمانی که مسئولیت قاتل کاهش می یابد 198

شرایط مرجع و دامنه مشاوره ما 199

چطور بحث پیش می رود 200

یک مقدمه کوتاه در مورد مقررات قانونی فعلی 201

آیا باید بخش 4 قانون قتل در سال 1957 حفظ شود؟ 202

قتل عام: پیشنهادی از کمیته اصلاح قانون جنایی 206

قتل عام: گزارش کمیته ناتان 208

نگهبانان افسرده که کشته می شوند: برخی شواهد تجربی 209

خودکشی-قتل، پیمان های خودکشی و اختلافات جنسیتی 212

گسترش بخش 2 از قانون قتل 1957: پیشنهادات ما 215

خودکشی مشترک و همدستی در خودکشی 217

**بخش 9: کودک کشی** 219

سوالات و پیشنهادات موقت 219

مقدمه: یک جرم منحصر به فرد 220

زمینه تاریخی 220 کودکان و مسئولیت پذیری کمتر در بخش 2 قانون قتل 1957 222

حفظ اما اصلاح جرم کودکان: گزینه های اصلاحی حداقل، معتدل و بنیادی 223

انتقاد از جرم و جنایت 224

اساس روانپزشکی جرم و جنایت 224

این قانون فقط برای مادر بیولوژیکی اعمال می شود 226

محدودیت سنی قربانی 228

کاهش قابل قبول مرگ و میر کودکان 229

درجه مرگ و میر کودک 230

خلاصه پیشنهادات قبلی برای اصلاحات 231

عوامل مشترک 231

گزارش باتلر 232

گزارش چهاردهم CLRC 234

کمیسیون قانون: کد پیش نویس 236

زمینه حقوقی فعلی: خشونت بومی، جرم و قربانیان سال 2004 237

گزینه های اصلاحات 239

موضع انحصاری 239

موقعیت اصلاحات حداقلی 240

موقعیت اصلاحات متوسط 240

موقعیت اصلاحات بنیادی 242

ادغام با مسئولیت پذیری کمتر 243

اعمال به قتل درجه اول و قتل درجه دوم 244

انگیزه و روش در دادگاه 244

**بخش 10: فهرست پیشنهادات پیشگیرانه و مسائل مربوط به مشورت** 249

ساختار جنایت قتل 249

پیشنهاد موقت 249

سوالات 249

جنایات قتل عمومی که ما پیشنهاد می کنیم 249

قتل درجه اول 249

پیشنهاد موقت 249

سوالات 250

قتل درجه دوم 250

پیشنهادات موقت 250

سوالات 250

قتل عام 251

پیشنهاد موقت 251

سوالات 251

معنی عمد یا قصد 252

مدل اول 252

مدل دوم 252

همکاری در قتل درجه اول 253

پیشنهادات موقت 253

سوالات 253

تعریف دفاع جزئی از مسئولیت پذیری کمتر 254

پیشنهادات موقت 254

سوالات 254

دفاع جزئی از فتنه انگیزی 255

پیشنهادات موقت 255

سوالات 255

اجبار و جسارت 255

پیشنهاد موقت 255

سوالات 256

کشتن با رضایت و مسئولیت پذیری کمتر 256

پیشنهادات موقت 256

سوالات 256

کودکان 257

یشنهاد موقت 257

سوالات 257

**پیوست ها**

پیوست A: گزارش در مورد تحقیقات عمومی قتل و مدارک محکومیت در قتل های جنایی 259

پیوست B: یافته های مختصر از بررسی پرونده های کورن 269

پیوست C: اظهارات قضات در مورد عوامل نقص در قتل 294

پیوست D: قانون قتل در حوزه های دیگر 296

پیوست E: تجزیه و تحلیل مورد LIFER 311

پیوست F: یک مطالعه موردی 314

پیوست G: اطلاعات سابق در مورد قتل و آدمکشی 323

پیوست H: بیماری های متناوب در موارد قتل 327

پیوست I: اشخاص و سازمان ها 334

**بخش1**

**چرا قانون جدید قتل مورد نیاز است؟**

**شرایط مرجع برای بررسی قتل**

1-1 در ماه ژوئیه 2005، دولت قوانین قتل در انگلستان و ولز را با شرایط مرجع زیر اعلام کرد:

(1) بررسی عوامل مختلف قتل، از جمله دفاع جزئی و رابطه بین قانون قتل و قوانین مربوط به قتل (به ویژه قتل عام). در این ارزیابی موارد ذیل توصیه می شود:

(a) مجازات زندان اجباری برای قتل ادامه داشته باشد؛

(b) فراهم کردن انسجام و وضوح نمودن جرایم که از افراد و جامعه محافظت می کند؛

(c) کسانی که محکوم شده اند را مجازات کنید؛ و

(d) منصفانه و غیر تبعیض آمیز مطابق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر 1998 است.

(2) روند مورد استفاده، فراگیر و مبتنی بر شواهد خواهد بود و شامل موارد زیر است:

(a) بررسی ساختار که به نظر می رسد شامل ذینفعان اصلی باشد؛

(b) مشاوره با عموم، متخصصان عدالت کیفری، دانشگاهیان و کسانی که با خانواده های قربانیان، نمایندگان مجلس و گروه های مذهبی کار می کنند؛

(c) نگاه کردن به تحقیقات و تجربیات سایر کشورها در اصلاح قانون شان.

(3) ساختار بازبینی شده شامل موارد ذیل است: موارد جرم، عمدی بودن، مشارکت ثانویه و غیره. این بررسی فقط مسائل مرتبط با مرگ و خودکشی را بررسی می کند زیرا آنها بخشی از قانون قتل هستند، نه مسائل اساسی بنیادی که نیاز به بحث جداگانه ای دارند. به همین دلیل سقط جنین نیز بررسی نخواهد شد.

**کمیسیون قانون چگونه این مرجع را پیش می برد؟**

1-2 ما هر موضوعی را که در نظر سنجی می تواند در نظر گرفته شود، بررسی نمی کنیم. حوزه های قانون که برای ایجاد دشواری یا ناهنجاری ها می آید، در مطالعه دخیل نیستند. حتی درون این حوزه ها، ما مسائلی را که بهترین راه برای بررسی گسترده ای از سایر حوزه های قانون است، در نظر نمی گیریم، مسائلی که در آن زمان قابل درک نیست و در مورد آن مشورت نمی شود یا مسائلی که خارج از محدوده بررسی است (به عنوان مثال، آسیب رساندن به نوزاد به سقط جنین مربوط است).

1-3 مسائلی که ما به آن پاسخ نمی دهیم عبارتند از:

(1) توجیهو دلیل برای کشتن: سقط جنین، ضرورت و دفاع شخصی.

(2) عوامل رفتار ممنوع: علیت، معیارهای قانونی حاکم بر زمانی که زندگی شروع می شود و زمانی که زندگی به پایان می رسد و کشتن فرزند (مجازات کشتن یک کودک در رحم که روزی متولد می شود).

(3) دفاع از دیوانگی و مسمومیت.

(4) تشدید ویژگی های یک قتل، مانند انگیزه بدی یا این واقعیت که یک کودک یا افسر قانون عمدا هدف قرار گرفته است. ما همچنین به این موارد توجه نکرده ایم، زیرا ما آنها را به عنوان مجازات توسط پارلمان مطرح می کنیم، از طریق راهنمایی هایی که اخیرا در مورد محکومیت در موارد قتل ارائه شده است (رجوع شود به پاراگراف های 1-27، 1-29، 1-104 و 1-123 در زیر)

**قانون فعلی و مشکلات آن: یک راهنمای مختصر**

1-4 قانون قتل عمد در انگلستان و ولز یک ساختار تاسف وار بوده که بر پایه های سست استوار است. بعضی از قوانین آن از قرن هفدهم تغییر نکرده است، هر چند که قبلا بیان شده که نیازمند اصلاحات است. قوانین دیگر محتوای نامشخص دارند و یا به طور مداوم تغییر یافته اند، به طوری که این قانون را نمی توان با اطمینان یا وضوح بیان کرد. اصلاحات مشخصی که توسط پارلمان انجام شده که در آن زمان ارزشمند بودند، اما بسیاری قدیمی بودند و از سایر تغییرات قانونی جا ماندند و هنوز اصلاح نشده اند.

1-5 این وضعیت باید ادامه یابد. دستورالعمل محکومیت که اخیرا پارلمان در مواردی که فری به قتل[[1]](#footnote-1) محکوم شده است، صادر کرده است، پیش بینی می کند که قتل یک ساختار منطقی دارد، ساختاری که به درستی نشانگر درجه نقص ها است و دفاع درست و محدوده مناسب را فراهم می کند. متأسفانه این قانون چنین ساختاری ندارد. قرار دادن این حق یک وظیفه ضروری برای اصلاح قانون کیفری است.

1-6 ما پیشنهاد می دهیم که برای اولین بار قانون کلی قتل به وسیله قانونگذار بررسی شود. جرایم و دفاع باید جای خود را در یک ساختار قانونی قابل فهم و منصفانه داشته باشند. این ساختار باید به گونه ای تنظیم شود که اطمینان را در آینده تقویت کند و به طریقی که غیر وکلا می توانند درک کنند و بپذیرند.

1-7 ما در این موضوعات تحقیق بیشتری می کنیم، اما به طور خلاصه، قانون موجود و مشکلات آن چیست؟

**جرایم**

1-8 دو جرم کلی از قتل عمد، آدمکشی و قتل عام، برای مقابله با اکثریت شیوه هایی که ممکن است کسی مرتکب خطا در قتل شود، استفاده می شود. ما می گوییم اکثریت، زیرا تعدادی از جنایات مربوط به قتل عمد، مانند مرگ کودکان و با توسط رانندگی خطرناک وجود دارد.

1-9 قتل که یک حکم زندگی اجباری را به عهده می گیرد، زمانی است که یک فرد به طور غیر قانونی شخص دیگری را (V) با هدف قتل و یا قصد آسیب جدی تحت صدمه قرار می دهد.

1-10 قتل عام می تواند در یکی از چهار روش زیر باشد:

(1) رفتار مدافع که در معرض خطر قتل و کشته شدن قرار دارد، قتل عام است (قتل عام بی پروا)؛

(2) رفتار به شدت بی دقتی با توجه به خطر کشتن و کشته شدن، قتل عام است (قتل عام سهل انگاری شدید)؛

(3) انجام یک عمل غیرقانونی شامل خطر آسیب رساندن و کشته شدن، قتل عام است (کشتار غیر قانونی و خطرناک)؛

(4) کشتن با قصد قتل، جایی که یک دفاع جزئی اعمال می شود.

اصطلاح کشتار غیر منصفانه برای توصیف یک قتل عام در داخل (1) - (3) است در حالی که (4) به عنوان کشتن خود خواسته نامیده می شود.

**مشکلات مربوط به این جرایم**

1-11 تعاریف فعلی این جرایم عمدتا محصول قانون قضایی در بیش از صدها سال است. آنها محصولات قانونی هستند که پس از مشاوره و تحقیق گسترده در مورد فرصت های جایگزین انجام نمی شود. علاوه بر این، از زمان های مختلف، تعاریف در دادگاه[[2]](#footnote-2) تغییر یافته است، هر مورد جدید گاهی اوقات باعث ایجاد قانون بهتر برای حل ابهاماتی است که از سوی گذشته باقی مانده است.

1-12 محکومیت در قتل پرونده هایی که مدافعان کشته شده اند، اما قصد داشته اند فقط صدمه بزنند، و این بسیار بحث برانگیز[[3]](#footnote-3) است. بر این اساس، حتی کسی که به طور مثبت اعتقاد دهاشت که هیچ کس نمی تواند با رفتارش کشته شود و آسیب رسیدن به آنها جدی نبوده، می توانست خود را به عنوان یک قاتل[[4]](#footnote-4) مشخص کند.

1-13 اگر قتل بیش از حد گسترده باشد، می تواند قتل عام باشد. احتمالا این به عنوان یک جنایت در قانون انگلیس بوده و به عنوان یک نوع گسترده از اشکال جرم محسوب می شود.

1-14 در پایان، جدی ترین طیف قتل عام غیر قانونی، ممکن است برای مدافعانی که رفتار بی پروایی برای کشتن دارند، بسیار سخاوتمندانه باشد. بدترین نوع قاتل بی پروا ممکن است مستحق محکوم شدن به قتل باشد.

1-15 در موارد با جدیت کمتر طیف قتل عام غیر قانونی، قانون ممکن است در مورد مدافعانی که در اثر یک عمل غیرقانونی و خطرناک کشته می شوند بیش از حد سخت باشد. خطر مرگ زمانی رخ می دهد که مدافعان متوجه نمی شوند که عمل شان ممکن است باعث آسیب شود:

مثال 1: D به دنبال سرقت یک کتاب بزرگ از طبقه چهارم کتابخانه که پنجره ها به سمت یک خیابان شلوغ است، می باشد. با دیدن کتابدار که به سمت او می آید، D به سرعت کتاب را از پنجره بیرون می اندازد. فردی که در زیر پنجره پیاده روی می کند، بر اثر ضربه کتاب کشته می شود.

1-16 سرقت کتاب توسط D نباید کافی باشد تا D را برای قتل V محکوم شود، اگرچه در شرایطی، خطر خاصی از آسیب ناشی از اقدام D وجود دارد. اما نیاز به محدود کردن جرم قتل عام غیرقانونی دارد که از سوی دولت[[5]](#footnote-5) قبلا پذیرفته شده است.

1-17 در پاراگراف های های1-30 و 1-48 جزئیات بیشتر در بخش دوم ارائه شده و ما راه حل هایی برای حل این مشکلات ارائه می دهیم. این راه حل ها شامل تمایز بین قتل درجه اول و قتل درجه دوم می شود که در میان دیگر موارد، تمایز بین درجه بین قصد کشتن و قصد آسیب جدی را نشان می دهد.

1-18علاوه بر این، ما موقتا پیشنهاد می کنیم که بدترین نوع قتل های بی پروا، قتل درجه دوم است، در نتیجه، دامنه کشتار غیر قانونی را محدود می کند. در جدیت کمتر از قتل عام غیر منطقی، ما تعدادی از اصلاحیات جزئی و پیشنهادات قبلی دولت را برای محدود کردن دامنه قتل عام غیرقانونی و خطرناک را اتخاذ می کنیم و در مواردی که مدافع، قربانی را از طریق یک اقدام جنایتکارانه هدف قرار داده و به علت آسیب زدن یا بی پروایی به قتل رسانده است.

1-19 این تغییرات مناسب برای قانون قتل، با جرائم در یک روند صعودی بر اساس درجه خطاها، از قتل عام تا قتل درجه دوم و سپس به قتل درجه اول می رسد.

**دفاع جزئی**

1-20 در این بررسی، ما عمدتا با دفاع جزئی، به عنوان مثال فتنه انگیزی یا تحریک، به جای دفاع کامل نگران هستیم. در حال حاضر، به طور کلی اذعان شده است که سه دفاع جزئی از قتل: فتنه انگیزی، مسئولیت پذیری کمتر و کشتن به دنبال قرار خودکشی وجود دارد. اگر اینها موفقیت آمیز باشند، آنها منجر به صدور احکام کامل نمی شوند، بلکه در قبال کشتن به قتل می رسند.

1-21 با این حال، مواردی نیز وجود دارد که ممکن است دفاع جزئی پنهان نامیده شود، که توسط قانون به عنوان جرایم خاص در نظر گرفته می شود. نمونه هایی از جرایم مربوط به کودکان (قانون کودکان 1938) است، هنگامی که یک مادر اختلالات ذهنی دارد، کودک خود را که کمتر از 12 ماه دارد، می کشد و در خودکشی (قانون خودکشی 1961) نقش دارد و یا به خودکشی تشویق می کند.

**مشکلات این دفاع جزئی**

1-22 دفاع جزئی از فتنه انگیزی ترکیبی مبهم از قانون قضائی و مقررات قانونی است. قاعده اساسی برای مدت طولانی به اندازه کافی واضح است: این قتل عام است نه قتل، اگر مدافع تحریک شده، کنترل خود را از دست دهد و در شرایطی که شخص عاقل نیز ممکن است انجام دهد، کشته شود. با این وجود، عالی ترین دادگاه ها در مورد حوزه دفاع با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در نتیجه، نه تنها گستره وسیع آن مشخص نشده است، بلکه در معرض اختلاف قرار نگرفته اند. در سال 2004 ما پیشنهاد اصلاح دفاع جزئی از فتنه انگیزی را پیشنهاد کردیم و مشخص کردیم که چگونه دفاع باید اصلاح شود[[6]](#footnote-6). ما به بخش 6 در این موضوع می پردازیم.

1-23 دفاع از مسئولیت پذیری کمتر که در سال 1957 معرفی شد، قابل اصلاح است. با این حال، علم پزشکی از آن زمان به طور قابل ملاحظه ای تغییر کرده است و تعریف کنونی خیلی ناواضح است. همین امر مربوط به کودکان است. علاوه بر این، مقررات قانونی که بازماندگان یک خودکشی را مجازات قتل عام می کند، به معنی تأسف برای کسانی است که به اندازه کافی ناامید شده اند تا زندگی خود را همراه با شخص دیگری انجام دهند. متاسفانه، رابطه بین مرگ و میر ناشی از قتل به موجب یک پیمان خودکشی و جرم همکاری در خودکشی چند سال بعد ایجاد شد و در اصل تضمین جدیت کمتری نسبت به مرگ و میر ناشی از قتل عام بود. علاوه بر این، دامنه دفاع جزئی صرفا مربوط به مرگ ناشی از پیمان های خودکشی بود.

**دفاع از دست رفته**

1-24 در حالی که اخیرا اختلاف نظر در مورد اینکه فتنه انگیزی باید همچنان به دفاع جزئی از قتل ادامه دهد، وجود دارد دیگر ادعاهای قوی برای کاهش جرم قتل نتوانستند شناختن قانونی بدست آورند و قضات تصمیم گرفته اند که نظرات پارلمان را ترجیح دهند تا تصمیم بگیرند که آیا قضیه جدیدی برای قتل وجود دارد یا نه، اما پارلمان تا به حال به این موضوع توجه نکرده است

1-25یکی از این ادعا ها زمانی است که مدافع از تهدید خشونت آمیز فرد حمله کننده، به خاطر قتل عمد وی با هدف دفاع متهم می شود. ما قبلا توصیه کرده بودیم که ترس مدافع به خشونت جدی باید از طریق اصلاح دفاع از فتنه انگیزی و تحریکات[[7]](#footnote-7)، پایه ای برای دفاع جزئی از قتل باشد.

1-26 یکی دیگر از این ادعاها اجبار است و جایی است که مدافع در قتل یک فرد بی گناه دخیل است، اما به این دلیل است که اگر مدافع در قتل دخالت نکند، او به مرگ و یا با صدمات کشنده تهدید می شود. ادعای اجبار حداقل باید به آنچه که تحت پیشنهاد ما است، کاهش یابد یا به عبارتی قتل درجه اول به یک جرم قتل پایین تر برسد.

**محکومیت و اصلاح قانون قتل**

1-27- همه افرادی که قتل انجام داده اند به زندان محکوم می شوند. حکم زندان شامل سه دوره است، یکی از آنها کوتاه مدت می باشد. این دوره زمانی است که مجرم باید در زندان بگذراند قبل از اینکه برای آزادی واجد شرایط شود. طول زمان دوره کوتاه مدت توسط قاضی دادگاه تعیین می شود. در تصمیم گیری در مورد مدت زمان، وی باید به راهنمایی هایی که پارلمان در قانون مجازات کیفری 2003( قانون 2003) ارائه می دهد، اشاره کند. طبق این راهنمایی، طول حداقل دوره بستگی به نوع و شدت قتل دارد. به عنوان مثال، فرض کنید مدافع یا مدعی علیه در قتل دو (یا بیشتر) افراد دخالت کرده و سپس سبب قتل آنها می شود. اگر مدعی علیه 21 ساله یا بالاتر باشد، معمولا با این حکم مواجه می شود که باید بقیه عمر خود را در زندان سپری کند[[8]](#footnote-8).

ایجادچنین شرایطی سبب ایجاد بحث برای اصلاح قانون قتل های شدید می شود.

1-28- به عنوان مثال، اگر مدافع در قتل هایی که فقط ذکر شد (شاید با ارائه کمتر اقدامات جزئی از همدستی) مشارکت داشته باشد، فقط به این دلیل که او یا خانواده اش با تهدید مرگ مواجه شده اند. قانون 2003 به این موضوع اشاره نمی کند که چنین شرایطی عامل کاهش دهنده مجازات است. مسلما مدافع نباید در هر صورت به مجازات قتل محکوم شود، چون اشتباه و تخطی وی خفیف تر از قتل است. ما به این موضوع در بخش 7 می پردازیم.

1-29- قانون 2003 همچنین می گوید که اگر قتل فقط با قصد آسیب جدی صورت گیرد و این که قصد کشتن واقعا وجود ندارد، این یک عامل تخفیف دهنده در مورد قتل است. این رویکرد، با توجه به قانون بیان کننده آن، لازم است، اما سوال مهم این است که آیا قتل هایی که تنها با هدف صدمه جدی هستند، تحت قانون 2003 قرار می گیرند؟ به عبارت دیگر، آیا قانون 2003 فقط در زمانی که یک قتل عمدی وجود دارد، باید اعمال شود؟ دیدگاه موقت ما این است که پاسخ آخر به این سوال، بله است.

**پیشنهادات پیشین ما: مرور ساختار**

1-30- ما پیشنهاد می کنیم که قانون جدید قتل برای انگلستان و ولز وجود داشته باشد. قانون جدید باید قانون قتل 1957 (قانون 1957) را جایگزین کند. قانون جدید باید (برای اولین بار) تعریف واضح قتل و دفاع جزئی به خاطر قتل ارائه کند. در حالت ایده آل، قانون همچنین باید قتل را تعریف کند تا جرایم کلی قتل عمدتا در یک قاعده واحد مورد رسیدگی قرار گیرد.

1-31- چگونه می توانیم پیشنهاد کنیم که قانون جدید قتل باید آدم کشی، قتل عام و دفاع جزئی از قتل را تعریف کند؟ ما با یک اصل کلیدی هدایت شده را داریم. این می تواند اصل نردبان یا پلکان (Ladder) نامیده شود.

1-32-جرایم فردی از قتل، و دفاع جزئی از قتل، باید در یک سیستم منظم و یا سلسله مراتب جرم وجود داشته باشد. این سیستم یا سلسله مراتب باید درجه سختی (از جرم) و درجه کاهش (در دفاع جزئی) را نشان دهد. جرایم فردی نباید خیلی گسترده باشد، زیرا آنها رفتار انسانی را تحت تاثیر قرار می دهند که بسیار متفاوت از نظر شدت عمل هستند. دفاع جزئی فرد باید سطح جرم را تا حدی که درجه آن کاهش یافته است، درگیر کند.

1-33-به عنوان مثال، ما پیشنهاد می کنیم که قتل را به قتل درجه اول (مجازات زندان اجباری) و قتل درجه دوم (با بیشترین حکم زندگی مجاز) تقسیم شود.

1-34- ما همچنین خواهان این سوال هستیم که آیا قتل عام باید ادامه یابد که چنین جنایتی گسترده ای شود. آیا باید ادامه پیدا کند تا نه تنها قتل، بلکه تأثیر دفاع جزئی و قتل غیرقانونی مرتکب شده از یک حمله بی اهمیت شود و به طور غیرمنتظره مرگ تا قتل با شدت بالای بی پروایی ادامه یابد؟

1-35- با توجه به دفاع جزئی، خواهیم پرسید که آیا درخواست موفقیت آمیز از مسئولیت پذیری کمتر باید در همه موارد قتل درجه اول را به قتل درجه دوم کاهش دهد؟ آیا یک مورد برای ارائه وجود دارد که در آن قربانی رضایت دهد که کشته شود؟ اثر متقابل مسئولیت پذیری کمتر و رضایت قربانی باید کاهش جرم از قتل درجه یک تا قتل عام باشد؟ ما همچنین خواهیم پرسید آیا باید مجازات قتل درجه اول را به قتل درجه دوم کاهش دهد یا خیر؟ و آیا باید یک دفاع کامل برای اتهام قتل درجه دوم باشد.

1-36- اصل نردبان یا پلکان نیز به مجازات جرایم اعمال می شود. حکم زندان اجباری برای قتل باید به جدیترین نوع قتل محدود شود. یک حکم محکومیت دائمی باید برای قتل های کمتر جدی (اما هنوز هم بسیار جدی) باشد. مدت ثابتی از بیشترین سال ها برای مجازات قتلی که در آن درجه متخلف جرم کمتر بوده یا جایی که شرایط تخفیف دهنده کاملا استثنایی وجود دارد، کافی است.

1-37-ما در ادامه ساختاری را ارائه می دهیم که به اعتقاد ما، مطابق با اصل نردبان، قانون قتل عمد را بیشتر و یکپارچه تر و قابل فهم تر می سازد. ما از نظرات و پیشنهادات را فرا می خوانیم. جایگزین های زیادی وجود دارد و افراد باید به راحتی پیشنهادات خود را در این زمینه ارائه دهند.

1-38- قتل درجه اول (مجازات زندگی اجباری):

(1) قتل عمدی.

1-39- قتل درجه دوم (مجازات حداکثر زندگی مجاز):

(1) قتلی که مجرم قصد کشتن نداشته است و فقط قصد داشته آسیب جدی بزند.

(2) کشتن بی رحمانه و بی تفاوت، جایی که مجرم متوجه شده که رفتار وی خطری برای کشتن است، اما با انجام این رفتار بدون مراقبت از اینکه آیا سبب مرگ می شود یا خیر، سبب قتل می شود.

(3) مواردی که در آن دفاع جزئی در مورد قتل درجه اول وجود خواهد داشت.

1-40- قتل عام (مدت زمان ثابت از مجازات بیشترین سال):

(1) قتل به خاطر بی توجهی زیاد؛

(2) قتل از طریق یک اقدام عمدی به منظور ایجاد آسیب و یا بی پروایی به علت آسیب رساندن.

1-41-سایر جرایم:

(1) کودک کشی؛ همدستی در خودکشی

1-42- دفاع از کاهش قتل درجه اول به قتل درجه دوم[[9]](#footnote-9):

(1) فتنه انگیزی یا تحریک (فتنه انگیزی زیاد و یا ترس از خشونت جدی).

(2) مسئولیت پذیری کمتر.

(3) اجبار (تهدید مرگ و یا آسیب تهدید کننده زندگی).

1-43-ما همچنین دیدگاه های دیگری از قبیل اینکه آیا قتل درجه اول باید شامل مواردی از قتل شود که قصد آسیب جدی را به همراه داشته باشد، داریم و در صورتی که آسیب جدی در نظر گرفته شود، به وضوح می تواند به آزار و اذیت های جدی محدود شود. سؤال های دیگر را می توان در بخش 10 یافت.

1-44- ما همچنین در مورد چگونگی تعریف اصطلاحات استفاده شده در این ساختار بحث کرده ایم. برای محکومیت قتل درجه دوم، بی پروایی چیست؟ چگونه فتنه انگیزی و مسئولیت پذیری کمتر تعیین می شود؟ چه نوع قتل مشترک به عنوان جرم کمتر از قتل مورد توجه قرار می گیرد؟ همه این سؤالات در بخش های که در ادامه می آید، بحث می شوند.

1-45-ما همچنین در مورد سایر اصول کلی در کنار اصل نردبان، نگران هستیم. یکی از این اصول، اصل برچسب زدن است[[10]](#footnote-10). مجرمین نباید به عنوان مجازات قتل یا قتل عام برچسب زده شوند، مگر اینکه رفتار آنها به اندازه کافی مورد انتقاد قرار گیرد تا سزاوار این برچسب باشند. به عنوان مثال، ما این سوال را مطرح خواهیم کرد که آیا زمانی که کسی کشته می شود، در حالی که آنها قصد انجام چنین کاری را داشتند تنها به آنچه که قانون به عنوان آسیب جدی بیان می کند و یا قصد کشتن نداشته است، همگی تحت عنوان قاتل نامیده می شوند. آیا درست است که چنین فردی به عنوان قاتل در نظر گرفته شود، اما کسی که قصد قتل عمد را دارد (گفته است) با توجه به بی اعتنایی شریک ش می تواند به قتل عام محکوم شود؟

1-46- دیدگاه مردم در مورد سوالات مصاحبه به وضوح متفاوت است. اگرچه اصل برچسب زدن مهم است، اما ما نمی خواهیم تجزیه و تحلیل ما در سوالات مربوط به مناسب بودن برچسب های خاص برای جرایم خاص غلبه کند. مهمتر اینکه ما به ساختار یا نردبان جرم ها می اندیشیم.

1-47-در حال حاضر، آنچه که ما انجام داده ایم، تعیین ساختار نوعی است که ما به عنوان یک قانون مدرن، عادلانه و قابل فهم برای قتل عام مورد توجه قرار داده ایم. اعتقاد ما این است که ساختار جدید به اصل نردبان احترام می گذارد به گونه ای که افراد تحت هدایت و اداره این قانون حق دارند انتظار داشته باشند.

1-48-ما اکنون باید به توجیه این تغییرات دست یابیم.

**چرا قانون جدید قتل مورد نیاز است؟ تعریف قتل به شدت از تاریخ گذشته است.**

1-49- تعداد کمی از غیر وکلا احتمالا می دانند که نقطه شروع در هر تجزیه و تحلیل قانون قتل، قانون مجلس نیست. این تعریف قتل توسط رئیس دادگستری لرد است که در کتاب قانون قضایی که وی در اوایل قرن هفدهم تکمیل کرد، تعریف شده است.

1-50-با وجودی که وی با استفاده از gunpowder plotters یا پلاترهای باروت تحت پیگرد قرار گرفت، اطلاعات لرد کک در مورد قانون جزا پراکنده بود و دیدگاه او در مورد قتل، دارای خطاهای بدی بود. یکی از این اشتباهات این ادعا بود که کشتن در جریان هر اقدام غیرقانونی، قتل بوده است.

1-51- اگر چه آنها می دانستند که این ادعا اشتباه است، اما بعدها قضات از نظر لرد کک متهم شدند که از قدرت خود برای تصحیح خطا استفاده نکردند. نظر لرد کوک پس از آن در قوانین جنایی بسیاری از ایالات متحده آمریکا (USA) به قانون تبدیل شد، به طوری که تا به امروز در شکل اصلاح باقی مانده است. این قانون تا پایان سال 1957، زمانی که پارلمان درگیر آن نشد، از قانون انگلیس حذف شد[[11]](#footnote-11). طی قرن ها، این خطا موجب اعدام صدها نفر در انگلستان، ولز و در سراسر ایالات متحده آمریکا شد که در واقع باید به قتل عام متهم می شدند.

1-52-این معنی می دهدکه لرد کک قتل را تعریف کرد:

قتل در صورتی است که مردی با سلامت ذهنی و عقلی به طور غیر قانونی در هر کشوری یا قلمرویی، و یا هر گونه موجودی معقول تحت حاکمیت یک کشور کشته می شود و این توسط حزب اجرایی قانون بیان می شود، به طوری که بخشی از فرد زخم یا صدمه می بیند و در یک سال و یک روز پس از آن می میرد[[12]](#footnote-12).

1-53-البته این اصطلاح دیگر استفاده نمی شود، به عنوان مثال، قضات هیئت های نمایندگی را بر اساس قانون تعیین می کنند. با این حال، حتی در حال حاضر، تعریف او هنوز مورد توجه است که وکلای بزرگ هنوز آن را به کار می برند. این معنی می دهد که قضات هنوز به تعریف لرد کک رجوع می کنند.

11-قانون مجازات اعدام 1957، سری 1

12-کمیته انضباطی 47

1-54-به عنوان مثال، دادگاه تجدیدنظر اخیرا دستور داد که دوقلوهای متصل شده بتوانند جدا شوند تا زندگی دوقلوی قویتر را نجات دهند، حتی اگر این معنی بدهد که دوقلوی ضعیف تر فوت کنند[[13]](#footnote-13). سوال این بود که آیا تعریف دوقلوی ضعیف تر منطقی بود که توسط قانون قتل محافظت می شد، و توسط لرد کک تعریف شده بود.

1-55-حتی اگر در آن زمان بسیار دقیق بود، اکنون تعریف لرد کک به طور جدی گمراه کننده و دور از ذهن است[[14]](#footnote-14).

1-56-تمایز تاریخی بین بدبختی بیان شده و اجرایی، هرچند (ما پیشنهاد می کنیم، اشتباه است) که توسط قانون 1957 حفظ شده است، مبهم است، حتی ممکن است قضات را گمراه کند و کارایی مفید نداشته باشند. هیئت منصفه با در نظر گرفتن تمام شواهد، قصد مدافع را تعیین می کند. بدبختی همین حالا وجود دارد حتی اگر آن یک بار توسط قانون اجرا شده باشد.

1-57-علاوه بر این، استفاده از اصطلاح بدبختی پیش بینی شده به منظور ابراز عنصر آزار و اذیت در قتل، بیش از 300 سال است که برای نقض قضایی صورت گرفته است

1-58-اولا، نیاز به تفکر الزامی است که در واقع برای اطمینان از محکومیت قتل لازم نیست و برای مدت طولانی غیرممکن است.

1-59-در مرحله دوم، بدبختی به خودی خود یک اصطلاح محدوده و نامعلومی است. حتی در دهه 1970، قضات اختلاف نظر داشتند که به موجب قواعد قتل، مرگ و میر ناشی از بعضی رفتارهای بی پروا بوده است[[15]](#footnote-15). در نهایت در سال 1985، آنها موافقت کردند که این محدود به مواردی است که مجرم قصد دارد آسیب های مربوطه را بزند[[16]](#footnote-16). اما آسیب های مربوط به آن چیست؟ پاسخ به این سؤال، معنای اقدام مخرب را در ایجاد مرگ فرد دیگر تبدیل کرد. تعجب آور آن است که قضات تصریح کردند که این امر به مرگ یا خطر قتل محدود نمی شود.

1-60-در عوض، عمل خشونت آمیز که موجب مرگ فردی می شود نه تنها کسانی را که قصد کشتن دارند بلکه افرادی که قصد آسیب داشتند را پوشش دهد، و این افراد به عنوان مجرم شناخته می شوند[[17]](#footnote-17). این قانون تا به امروز حفظ شده است. در مثال زیر، D گناه کار برای قتل است، زیرا او با بدبختی پیش بینی شده مواجه می شود:

مثال 2: D و V در مورد جای پارکینگ بحث می کنند. V راه را مسدود کرده و Dسعی می کند که به سمت فضای باز پارکینگ رانندگی کند.

به منظور وارد شدن به فضا، D به سمت V رانندگی کرده و پای وی با این کار می شکند. عوارض ناشی از شکست پای V منجر به مرگ وی می شود.

1-61- بدون تردید پای شکسته آسیب جدی است و این همان آسیبی است که در قانون بیان شده، D عمدا به V [[18]](#footnote-18)آسیب زده است. همان طور که V می میرد در نتیجه D ممکن است به قتل محکوم شود. اگر محکوم شود، D با حکم حبس ابد مواجه می شود. به نظر ما این نتیجه اشتباه است. D باید به عنوان قتل درجه دوم در نظر گرفته شود، و بهتر است که وی به عنوان مرتکب قتل عام در نظر گرفته شود.

1-62-اکثر وکلا بر این باورند که تعریف لرد کک قدیمی شده و به کتاب های تاریخی محدود است. انگلستان و ولز نیاز به یک تعریف مدرن از قتل و تنظیم نمودن توسط مجلس دارند[[19]](#footnote-19).

.[[20]](#footnote-20)

.[[21]](#footnote-21)

1. قانون مجازات کیفری 2003، 269، برنامه 21. [↑](#footnote-ref-1)
2. به عوان مثال برای قتل رجوع شود به *Woollin* [1999] 1 AC 82 (HL)؛ و برای قتل عام رجوع شود به *Adomako* [1995] 1 AC 171 (HL); (*Morgan) Smith* [2001] 1 AC 290 (HL) [↑](#footnote-ref-2)
3. به بخش 3 رجوع شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. به بخش 3 رجوع شود. [↑](#footnote-ref-4)
5. دفتر خانه اصلاح قانون قتل عام غیر قانونی: پیشنهادات دولت (2000). مثال 1 در این پیشنهادات بحث نشده است. این بر اساس فرانکلین (1883) 15 Cox CC 163 است. [↑](#footnote-ref-5)
6. دفاع جزئی از قتل (2004) Law Com No 290، پاراگراف 3، 168. [↑](#footnote-ref-6)
7. .Ibid، به بخش 6 رجوع شود. [↑](#footnote-ref-7)
8. قانون مجازات کیفری 2003، صفحه 269، سری 21، پاراگراف 4 (2) (a) [↑](#footnote-ref-8)
9. به خاطر سادگی، ما موقتا این دیدگاه را داریم که دفاع های جزئی باید قتل درجه اول را به جرم کمتر مانند قتل درجه دوم یا قتل عام کاهش دهد. تشخیص بین دفاعی که قتل درجه اول را به قتل درجه دوم و قتل درجه اول را به قتل عام کاهش می دهد، نیاز است که به قضاوت گذاشته شود. در مواردی که بیش از یک دفاع درخواست شده، تا ببیند که کدام دفاع با موفقیت مواجه شده است. این بسیار ناخوشایند است زیرا هیئت منصفه ممکن است توافق کند که جرم نباید قتل درجه اول باشد، اما ممکن است به دلایلی مخالفت کند (بعضی از اعضای هیئت منصفه به مسئولیت پذیری کمتر اعتقاد دارند و سایر اعضای هیئت منصفه موافق فتنه انگیزی هستند). در چنین مواردی، حکم باید همان باشد که هر کدام از دفاع ها موفق باشد، به طوری که چنین اختلافاتی منجر به ناتوانی در دستیابی به حکم نمی شود. [↑](#footnote-ref-9)
10. رجوع شود به A Ashworth، انعطاف پذیری عنصر ذهنی گناه در C Tapper (ed)، جرم، اثبات و مجازات (1981) [↑](#footnote-ref-10)
11. قانون قتل 1957، سری 1 [↑](#footnote-ref-11)
12. 3 کمیته انضباطی 47 [↑](#footnote-ref-12)
13. ری آ (2001) فام 147 (CA) [↑](#footnote-ref-13)
14. به عنوان مثال، حکم مرگ از یک زخم در یک سال و یک روز بعد باید رخ دهد که توسط قانون اصلاحات قانون (قانون سال و روز) لغو شد [↑](#footnote-ref-14)
15. هیام (1975) AC 55 (HL) [↑](#footnote-ref-15)
16. مولونی (1985) AC 905 (HL) [↑](#footnote-ref-16)
17. برای بررسی دقیق، بخش 3 را ببینید. [↑](#footnote-ref-17)
18. برای بحث درباره قصد، بخش 4 را ببینید. [↑](#footnote-ref-18)
19. بحث ها را در بخش 2 ببینید. [↑](#footnote-ref-19)
20. دفاع جزئی برای قتل (2004) شماره کمیته قانون 290، بخش 3، و بخش 6 در ادامه را ببینید. [↑](#footnote-ref-20)
21. آ-جی جرسی هولی (2005)UKPC 23, 3 WLR 29، (مورگان) اسمیت (2001) 1 AC 146 (HL) [↑](#footnote-ref-21)